

و هر روز صبح
راه خانه
دور و دورتر می شود

فریدریک بکمن
ترجمه ریحانه وادیوار





- سرشناسه : بکمن، فردریک، ۱۹۸۱ - م.
Backman, Fredrik
عنوان و نام پدیدآور : و هر روز صبح راه خانه دور و دورتر می‌شود/ فردریک بکمن؛
ترجمهٔ ریحانه وادیدار.
مشخصات نشر : تهران : آفتابکاران، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری : ۶۸ ص.
فروست : رمان نوجوان؛ ۴.
شابک : 978-600-97995-1-0
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
داشت : Oeh varje morgon blir vägen hem längre och längre, 2016. عنوان اصلی:
یادداشت : کتاب حاضر از متن انگلیسی تحت عنوان "And every morning the way home
novella gets longer and longer" به فارسی برگردانده شده است.
موضوع : داستان‌های سوئدی - قرن ۲۱ م.
موضوع : Swedish fiction -- 21st century
شماره اثر ده : وادیدار، ریحانه، ۱۳۵۸ - مترجم
ده بندی ره : ۱۳۹۶ ک/۹۸۷۷/۱۲۲
ده بندی بیوی : ۸۳۹/۷۳۸
شابک : ۴۸۲۸۴۰۴

و هر روز صبح راه خانه دور و دورتر می‌شود فردریک بکمن

ریحانه وادیدار

- طرح جلد: احمد آفاقلیزاده
- ویراستار: الهام سلمانی فروغی
- صفحه‌آرا: ابراهیم توکلی
- نوبت چاپ: اول
- سال چاپ: بهار ۹۷
- لیتوگرافی: نگین
- چاپ: مهرباب
- صحافی: تیرگان
- قیمت: ۶۵۰۰ تومان
- شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۹۹۵-۱-۰
- مدیر تولید: سید شهاب‌الدین ملاسعیدی

تهران - خیابان ستارخان - خیابان رئیسی - شماره ۷۰ - واحد ۶ ■ ۶۶۴۶۳۴۱۶

www.aftabkaranpub.com
info@aftabkaranpub.com

خزانده عزیز؛

بزرگی گنه: «بزرگترین چیز پیر شدن این است که دیگر ایده نویی به ذهنم نمی رسد.» راجش این حرف هیچوقت از ذهنم پاک نشده و همیشه بهش یاد می کنم. شاید چون بزرگترین وحشت من هم دقیقاً همین است که قبل از جسمم، قوه تخیلم را از دست بدهم و خب به نظرم این حس مشترک خیلی از آدم های دیگر هم هست. ما آدم ها موجودات عجیبی هستیم؛ چون تا پیر و ناتوان شدن حتی از خود مرگ هم برایمان ترسناک تر است.

این کتاب، داستانی در مورد خاطرات مردمان آمدن با وقایع و پذیرفتنشان است. این قصه نامه ای عاشقان و ردای تدریجی است بین یک مرد و نوه اش و یک پدر و پسرش!

راستش، اصلاً قرار نبود شما هم این داستان را بخوانید. این را برای خودم نوشته بودم، آن هم فقط برای اینکه می خواستم به افکارم نظم بدهم، چون من از آن دسته آدم هایی هستم که باید افکارشان را روی کاغذ بیاورند تا بتوانند درکشان کنند و با آنها کنار بیایند. ولی به هر حال نوشته هایم تبدیل به این داستان کوتاه شد؛ داستانی که در مورد کنار آمدن و پذیرفتن از دست دادن یکی از بهترین ذهن هایی

است که می شناختم، داستان از دست دادن کسی که هنوز جسمش نزدیک بود و روایت اینکه چقدر دلم می خواست می توانستم همه چیز را برای بچه هایم توضیح بدهم. راستی، شاید به هر حال این را هم بخواهید بدانید که دیگر الان با همه چیز کنار آمده ام، دیگر الان رفتنش را پذیرفته ام.

این کتاب، داستان عشق و ترس و رابطه نزدیکی است که با هم دارند بیش از همه، این کتاب روایتی از زمان است؛ همان زمانی که هنوز از دست نده ایم، همان فرصتی که هنوز برایمان باقی مانده. از شما ممنونم که کمی از نمانتان را هم به خواندن این داستان اختصاص می دهید.

فردریک بکمن